

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على رسول الله و على آله آل الله و لعنة الله على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و على آبائه في هذه الساعة و في کل ساعة وليا و حافظا و قائدا و ناصرا و دليلا و عينا حتى تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فيها طويلا

خداوند بزرگ همه ما را از نمازگزاران، اهل تقوا، اهل سداد، اهل يقين؛ يقين به قيامت و معاد قرار دهد، متوسل می شويم به صلواتی بر محمد و آل محمد.

مجددا ايام غمبار فاطميه را محضر وجود مقدس بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه صالحان، مصلحان، شیعیان و شما بزرگواران اهل مسجد و جماعت تسلیت عرض میکنم.

مطابق معمول از آیاتی که خوانده شد، ما گزارشی را خواهيم داشت؛ البته با این اعتقاد و تاکید و باور که اگر کسی بخواهد همین یک صفحه و همین شش آیه را تفسیر کند قطعا ماه رمضانی می خواهد که صرفا بخشی از مطالب این صفحه را بیان کند.

اما به هر حال ما هم در جلسه امشب گزارشی خواهيم داشت.

اولا میدانید آیات مربوط به سوره توبه است؛ ما نهادی در اسلام داریم به نام «توبه».

توبه را اگر بخواهيم ساده معنا کنیم یعنی بازگشت از روی پشیمانی به خدای متعال....

دوست دارم نکاتی که بیان می شود مخصوصا دوستانی که در این جمع از فضیله دانشگاه یا حوزه هستند، به این نکات توجه کنند.

در بسیاری از نوشته ها آمده که توبه یعنی پشیمانی و عمل صالح بعد پشیمانی.. این نکته را توجه داشته باشید که عمل صالح لازم است واجب و لازم است اما شرط توبه نیست؛ یعنی این طور نیست که اگر کسی پشیمان شود و به سوی خدا برگردد ولی دوباره عمل ناشایست انجام دهد، مثلا توبه نکرده باشد.

بحث این است که چنان چه انسان توبه کند ولو موفق هم نشود عمل صالح انجام دهد، باز هم توبه محقق است و لذا می تواند توبه در ساعات آخر عمر انسان باشد اگر کسی به هردلیلی در همان ساعات آخر عمر پشیمان شد و به خدا برگشت این توبه است. هر چند فرصت نکند عمل صالحی انجام دهد. البته گفته نشود که فلانی گفت نیاز به عمل صالح نیست؛ آیا به این معنا است باز دوباره به همان اعمال گذشته برگردد؟! البته که این طور نیست؛ در هر صورت به این معنا است که توبه قوامش به این نیست که عمل صالح بعد آن باشد ولی به هر حال عمل صالح لازم است.

توبه دو رکن دارد:

1. این که انسان از گناه پشیمان شود. اما پشیمانی از گناه گاهی وقتها به این شکل است که به خاطر خدا نیست؛ مثل انسانی که به الکل و تریاک معتاد می شود؛ بعد ناراحت میشود و می گوید عجیب کاری کردیم بدنمان از بین رفت؛ زندگیمان از بین رفت... یعنی پشیمان می شود اما نه به خاطر گناه؛ به این دلیل پشیمان می شود که می بیند ضرر کرده است؛ چون خانواده اش را از دست داده است؛ این توبه نیست؛ در واقع صورت واقعی توبه این است: پشیمانی از گناه

2. شرط دوم این است که به خاطر خدا باشد. یعنی بگویند چون خداوند دستور توبه و ترک گناه داده بود من توبه کردم؛ الندم عن الذنب الى الله.. پشیمانی از گناه به سوی خدا؛ به خاطر خدا... لذا خداوند از نهاد توبه برای امید آفرینی استفاده می کند؛ نکند خدای ناکرده انسان مدام از توبه دم زند و بعد باعث شود انسان جری بر گناه شود و جرأت بر گناه پیدا کند. زیاد از خداوند بخواهیم که خدایا به ما توفیق توبه از گناه را عنایت بفرما. امیدواریم دعا بعد از نماز در این جلسه ای که به مناسبت گرامیداشت یاد صدیقه طاهره حضرت زهراى اطهر سلام الله عليها تشکیل شده است، به هدف اجابت برسد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اولین نکته ای که مربوط به خود سوره است این است که سوره مبارکه توبه با عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع نمی شود. در سایر سوره های قرآن (113) سوره؛ شما شروع سوره ها را با بسم الله می بینید؛ حالا یک بحثی هست بین مفسران و فقها که آیا بسم الله جزء سوره است یا جزء سوره نیست؛ به هر حال جزء قرآن است چه جزء سوره باشد یا نباشد. اما تنها سوره ای که بسم الله ندارد؛ سوره توبه است از طرفی به ما دستور داده اند که مستحب است هر کاری را که شروع می کنید با نام خدا شروع کنید؛ گاهی کسانی مثلا فرض می کنند اول کلاس باید بسم الله بگویند در حالی که اهل فن اول شروع هر کاری را با بسم الله آغاز می کنند.

این توفیق بزرگی است که انسان هر کاری را که آغاز میکند با این عبارت باشد؛ به عنوان مثال هر لقمه ای که می خورد بسم الله بگوید، الحمد لله بگوید...

سوال این است که بسم الله که این قدر بر آن تاکید شده است چرا در ابتدای این سوره این عبارت نیامده است؟

اولا اگر کسی بسم الله بگوید نه به عنوان قرآن، مانعی ندارد؛ می خواهد سوره توبه بخواند یک بسم الله بگوید و ترجیحا هم یواش بگوید که آشکارا جزء قرآن محسوب نشود.

اما در این سوره چون بحث جهاد و ناراحتی و ابراز انزجار است، خدای متعال سوره توبه را با بسم الله شروع نکرده است.

وقتی گفته می شود بسم الله الرحمن الرحيم د رواقع ما این جا خدای متعال را به د و صفت توصیف می کنیم: خدای رحمان و خدای رحیم؛ خدایی که رحمت عامش شامل همه انسانها می شود. حتی کافران و حتی مشرکان و خدایی که رحمت خاصه دارد مخصوص مؤمنان...

در سوره توبه صحبت از غضب و براءت و حکم به جهاد است و لذا دستور جهاد و غضب و براءت با بسم الله الرحمن الرحيم چندان جور نیست؛ و لذا برای این سوره بسم الله وارد نشده و از باب این که ما می خواهیم کاری را شروع بسم الله بگوییم اشکال ندارد اما نه به عنوان خاص این سوره و قرآن.

نکته دیگری که این سوره دارد و بی ارتباط با جریانات فاطمیه هم نیست این است: وقتی این سوره نازل می شود پیامبر باید این سوره را بفرستند مکه که در جمع حجاج، این آیات خوانده شود. و این سوره با این عبارت شروع می شود: * براءت من الله و رسوله الى الذين عاهدتم من المشركين * پیامبر عظیم الشان این آیات را به ابوبکر - که بعد او خلیفه اول می شود - می دهند و به او می گویند که در جمع مشرکان بخوان.

مطالبی بیان شده که هم در تفاسیر سنیان است هم شیعه؛ و آن این که در جریانی که پیامبر به ابوبکر این آیات را می دهند که برود و بر مردم مکه قرائت کند، به پیامبر عظیم الشان وحی می شود که پیامبر! این آیات را یا باید خودت بخوانی یا از اهل خودت... که این مسأله، صرفاً یک مصداق دارد و آن امیرالمؤمنین است. لذا پیامبر سریع دستور می دهند به امام علی علیه السلام سریع به ابوبکر برسند و آیات را بگیرند؛ و آیات را بر مشرکان بخوانند.

من نمی خواهم مباحث امامت را مطرح کنم اما سوالی که اهل تسنن باید جواب بدهند با توجه به این که این جریانی که گفته شد در منابع آن ها هم آمده است، این سوال است: اگر چند آیه را در جمع مشرکان خواندن باید امیرالمؤمنین بخواند یا رسول خدا یا کسی که از اهل رسول خداست، در واقع نفس رسول خداست به حکم آیه مباهله و باید کسی که این شرایط را ندارد از او گرفته شود، آیا بعد از پیامبر چه کسی صلاحیت امامت را دارد؟ نه می خواهیم حساسیت ایجاد کنیم نه می خواهیم به کسی جسارت کنیم.. به هر حال یک بحثی است؛ حقیقت را در قیامت از ما می پرسند؛ آیا وقتی رساندن چند آیه نباید در قامت یک فردی باشد و باید در قامت و به وسیله شخص دیگری باشد، و این لباس را به اندام شخص دیگری دوخته باشند و بعداً همه چیز عوض شود و خلافت رسول الله را دیگران در دست بگیرند؟ ما جوابمان روشن است: خیر.

آنهایی که امامت را عوض می کنند و امامت منصوب از طرف خدا را کنار می گذارند و امامت با بیعت چند نفر، تصویب می کنند این ها باید جواب بدهند و قطعاً جوابی نخواهند داشت. این صفحه آیاتش ادامه دارد و براءت از مشرکان را ادامه می دهد و می گوید اگر مشرکان توبه کردند، نماز را برپا کردند و زکات را دادند، * فخلوا سبیلهم ان الله غفور رحیم *

یعنی توبه می تواند گناه بزرگ شرک را و گناه بزرگ کفر را هم پوشش دهد البته بعد به دستور مهم اسلام اشاره میکند: نماز و زکات .

اشاره ای کوتاه به این دو بحث داشته باشم و بحث را تمام کنم:

نماز؛ من نمی خواهم از نماز بگویم گرچه همه ما به نوعی نیاز به این داریم که از نماز برای ما گفته شود. نکته ای که در قرآن راجع به نماز است این که هر جا نماز بیان شده گفته نشده مردم «نماز بخوانند»؛ بلکه گفته شده: «نماز را به پا دارند». گویا من و شما دو تکلیف داریم در رابطه با نماز؛ اول خواندن نماز است؛ این که انسان اول وقت به نماز بیاید و نماز را به جماعت خواند؛ چقدر این کار زیباست؛ چقدر

فرشتگان لذت می برند... و خدای بزرگ در هفت آسمان به کار شما مباحثات میکند... دوم: اقامه نماز است. ممکن است کسی پنجاه سال نماز بخواند اما به آن معنا اقامه نماز نکرده باشد... ما چند نفر را دعوت به نماز کردیم؟ چند نفر را با خودمان توانستیم به مسجد بیاوریم و آوردیم.. این ها شد اقامه نماز؛ این هایی که از نماز می گویند؛ از نماز تبلیغ می کنند؛ ترویج می کنند و منتقل می کنند و در خانواده ها مواظبت می کنند، این می شود اقامه نماز... نماز ناموس خداست... این تعبیر را من از آیات و روایات استفاده میکنم. ممکن است خدای متعال از بسیاری از مسائل بگذرد، اما از نماز نمی گذرد؛ آیا یک شخص اگر اهل گذشت از هر چیز باشد آیا می تواند از ناموس خودش هم بگذرد؟ ممکن است کسی برادرش را بزنند باز طرف مقابل را عفو کند، اما وقتی بشنود مادرش را زدند یا همسرش یا دخترش را، گذشت نمیکند مگر این که استثنا باشد آنهم به سختی؛ نماز ناموس خداست. برخی از فقها می گویند خود نماز را اگر کسی انکار کند موجب کفر است.. میدانید انکار واجبات اگر به تکذیب پیامبر برسد، یا به انکار توحید برسد، موجب کفر است ولی در غیر این صورت موجب کفر نیست. کسی بگوید من روزه را قبول ندارم، به هر حال کافر نمی شود. مگر این که العیاذ بالله بگوید پیامبر دورغ گفته که ما روزه باید بگیریم. اما علمای بزرگ البته بخشی از علما می گویند نماز استثنا است؛ اگر کسی خود نماز را انکار کند، ولو بگوید من پیامبر و خدا و رسول را قبول دارم اما نماز را قبول ندارم، این جریان از نظر برخی علما موجب کفر است. * فان تابوا و أقاموا الصلوة و اتوا الزکوة * اگر مالیاتی را که ما قرار دادیم بپردازد، نماز واجب بدنی است و زکات واجب مالی است.. البته در برخی آیات دیگر خمس هم اضافه می شود... نماز گزاران آخرین جمله ام قبل ذکر مصیبتم باشد، و آن این که بنا نیست کسی به کار کس دیگری بیاید (کسی که آمار حسی میدهد و نه حدسی) به تعداد انگشتان دست دیدم در شهر خودمان کسی فوت کند و وابستگان بیایند و بگویند ما می خواهیم حساب مرده امان را پاک کنیم... در طول سی سال دو یا سه نفر به این دلیل مراجعه کردند؛ سوال این است که این اموات آیا بدهکار نبودند؟! زکاتی، خمسی، کفاره روزه عمدتاً مریضا... آیا همه این ها خود را پاکیزه کردند و رفتند؟! قطعاً این طور نیست و کسی هم نمی آید مراجعه کند برای پاکیزه کردن حساب اینها. ... اینها مشکل پیدا میکنند چون قبل تقسیم اموال باید بدهی های میت پرداخت شود. شما، میت را اگر آلوده باشد او را تمیز می کنید و شستشو می دهید، یک کفن خوبی برای او درست میکنید اگر بدهکار باشد چه؟ آیا نیاز به پاکیزه کردن او نیست؟ در واقع او کثیف باطنی و کثیف برزخی است که باید انجام شود. و لذا قرآن می فرماید: فان تابوا و أقاموا الصلوة و اتوا الزکوة... این را هم به شما بگویم که هیچ راهی بسته نیست؛ برخی میگویند از ما گذشته است؛ این حرفها چیست؟ فکر ما و شریعت مطهر ما راه ها را باز گذاشته بدون این که انسان ذره ای اذیت شود، البته باید به اهلش مراجعه شود و آنان هم میدانند چه باید مطرح کنند. امیدواریم خدای بزرگ ما را از نماز گزاران و روزه داران و اهل زکات نفیس و پاکیزه قرار دهد... باز هم متوسل می شویم به صلوات بر محمد و آل محمد.

صلی الله علیک با بنت رسول الله صلی الله علیک یا سیده نساء العالمین؛ یا فاطمه اشغعی لی فی الجنة فان لک عندنا الله شانا من الشان..... پیامبر رحلت کردند، امیرالمومنین را خانه نشین کردند در یک فرصت کوتاه چهار بار به خانه فاطمه زهرا یا حمله کردند یا مراجعه کردند معمولاً تصور این است که اینها یک بار آمدند وقتی حرف رسول خدا بر زمین میماند، و کسی که نباید خلیفه شود خلیفه می شود و کسی که باید

خلیفه و امام شود و نمی شود، خانه نشین می شود این از آثار آن است ؛ دفعه اول قنفذ غلام ابوبکر است می آید، در خانه امیرالمومنین را میزند به امام علی عرض میکند خلیفه پیامبر شما را خواسته است، امام علی می گوید چه زود به پیامبر تهمت می زنید؟ خلیفه رسول خدا؟!!!!

خلیفه رسول خدا من هستم یا دیگرانند؟ راهش را میگیرد و می رود. دفعه دوم، عمر هیزم می آورد تا کسانی که در خانه امام علی جمع شده بودند به عنوان اعتراض به خلافت خلیفه اول، همه را آتش بزند. ولی گزارشی نرسیده که در این مرحله کاری کرده باشد. دفعه سوم با هیزم و آتش نمی آید با شمشیر می آید و تازیانه را به بدن حضرت زهرا سلام الله علیها میزند ... و بالاخره دفعه چهارم با یک عده مثل خالد بن ولید و .. وارد می شود و آن مصیبت عظمی را انجام میدهد؛ خانه را آتش میزند؛ درخانه را میسوزانند و فاطمه زهرا بین در و دیوار قرار می گیرد . و این جاست که جریان شهادت اتفاق می افتد .. الا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون..